

بحثی در حاشیه نرمی و سختی خبر

## آرایه‌های ادبی و روزنامه‌نگاری

### نوشتۀ علی اکبر قاضی‌زاده

ما، در محیط روزنامه‌نگاری ایران باید به بحث‌های اساسی‌تری توجه کنیم که بدیهی‌ترین این بحث‌ها، بازیافت اصالت حرفه روزنامه‌نگاری است؛ یعنی توجه دوباره به مفهوم مهم و سازنده خبر.

روزنامه‌نگاری با ادبیات قلمرو جداگانه‌ای دارد. اولی حرفه است و مهارت و فن که آموختنی و فراگرفتنی به حساب می‌آید. دومی به خلاقیت و استعداد بستگی دارد که بیشتر عوالم ذهنی را در برمی‌گیرد. اولی باید زیر منگنه زمان و برای هر کس که مخاطب باشد (هر چه وسیع‌تر، حرفه‌ای‌تر) تدارک شود. دومی مهلت و فرصت بردار نیست، یکی از هفت هنر است و باید مخاطب خود را بیابد.

این بحث به این معنا نباید تلقی شود که روزنامه‌نگار به هنرهای نگارشی نیاز ندارد یا تسلط بر ادبیات، تأثیری بر مطلوبیت و مرغوبیت کار روزنامه‌نگاری ندارد. بلکه مقصود این است که در روزنامه‌نگاری اصل نخستین کشف و دستیابی به اطلاعات و نکته‌هایی است که خبر یا گزارش را می‌سازد. حال اگر حاصل این کشف و کوشش با زیبایی‌های نگارشی همراه شود، بی‌تردید بر مخاطب تأثیر عمیق‌تری می‌گذارد و او را بیشتر به رسانه وفادار می‌کند.

در این نوشتار بنابراین هدف، خرده‌گیری نسبت به کوشش‌های زیبایی‌شناسانه نگارش در روزنامه‌ها نیست. بلکه کوشش بر این است تا به‌طور مستند در مورد یک

## آغاز چالش

سبک هرم وارونه ماندگارترین شیوه خبرنگاری در رسانه‌ها. به خصوص نوشتاری. باید به حساب آید. در میان انواع سبک‌های خبرنگاری، هیچ‌یک به اندازه هرم وارونه، پرتعداد به کار نرفته است. زیرا در دوران رواج این سبک، روزنامه‌ها از دو نظر در همه تاریخ مطبوعات (حدود ۴۵۰ سال) بی‌نظیر هستند: که تعداد عنوان و شمارگان منتشر شده. هنوز هم این سبک رواج کافی دارد.

این سبک نگارش مزایایی دارد. مهم‌تر از همه این که به سرعت آموختنی است، وقت محدودی از خبرنگار و مخاطب می‌گیرد و وقتی آموخته شد، نگارش به این سبک سریع خواهد بود. اما این سبک کاستی‌هایی هم دارد. از جمله: خشک و غیرقابل انعطاف است، خواننده را تنبل می‌کند و (از همه مهم‌تر) برای خبرنگار میدان محدودی برای هنرنمایی و نشان دادن قابلیت‌ها، باقی می‌گذارد.

روزنامه‌نگاران فرانسوی زودتر از همکاران خود در کشورهای دیگر، در برابر این سبک طغیان کردند. به همین سبب هم در منابع روزنامه‌نگاری نوشته‌اند: نگارش خبر دو سبک دارد: فرانسوی و آمریکایی.

سبک فرانسوی بر کلام و کرشمه‌های زبانی تکیه دارد و سبک آمریکایی بر عینیت‌ها و عناصر خبر. جنگ‌های سال ۹۱ و ۹۲ میلادی (میان عراق و کویت و سپس متحدان غربی علیه عراق) و فروپاشی اردوگاه کمونیسم در همین سال‌ها، این چالش را جدی‌تر کرد. تنوع و عمق پدیده‌های خبری به حدی بود که شیوه هرم وارونه در بسیاری از موارد ناتوان و نارسا به نظر می‌رسید. بنابراین در بسیاری از روزنامه‌های غربی، خبرنگاران سبک نگارش خبر به شیوه خشک هرم وارونه را کنار گذاشتند و به شیوه پیشتر آزمایش شده فرانسوی (وارد کردن هنر کلامی مثل وصف، تشبیه، استعاره و...) روی آوردند.

چنان‌که آمد، ویژگی و برجستگی این شیوه که یکی از انواع آن را شیوه قلاب (هوک) نامیده‌اند، توجه به جذابیت‌های حاشیه و متن موضوع خبر (یا گزارش) است. در اینجا باید یک توضیح لازم را به یاد آورد. به‌طور معمول متن‌های خبری و گزارشی در دو بُعد ممکن است مخاطب را جذب کنند:

■ جنبه اطلاع‌رسانی. در این بُعد متن‌ها از نظر عناصر خبری (چه، کجا، کی، چرا و...)

چنین من‌هایی به هرهای نحارسی و سبک نحارس همرمذانه، نه بیار دارد و نه اگر خبرنگار به این جنبه‌ها توجه کند، برای مخاطب اهمیتی دارد. برای مثال خواننده می‌خواهند بدانند آتش سوزی شب گذشته، کجا اتفاق افتاد، چرا اتفاق افتاد، چند تن کشته و مجروح شدند، خسارت‌ها به چه حدی بود، گستردگی آتش سوزی چقدر بود؟ و...

■ جاذبه‌ها. در برخی از متون خبری و گزارشی، نکته مهم حالت‌ها، نمونه‌ها، حاشیه‌ها، حرف‌ها، واکنش‌ها و... است. در این متن‌ها اصل مهم، تأثیرگذاری است و چگونگی نگارش و کاربرد قلم هنرمندانه در آن تأثیر اساسی دارد. مثل: دخترک به پهنای صورت اشک می‌ریزد و سارا را صدا می‌زند. هر کس را می‌بیند، التماس می‌کند سارا را از میان شعله‌ها نجات دهد. می‌گوید: «ترو خدا بیرون بیارینش!»... آتش نشان می‌پرسد: «حالا سارا کی هست؟»... دخترک در میان حق‌گریه می‌گوید: «هدیه تولدمه! عموم جونم بهم داده...» خیلی هم فرق نمی‌کند که این ماجرا کی و کجا و چرا اتفاق افتاده است. یا دخترک معروف است یا گمنام. مهم حس عاطفه‌ای است که خواننده باید در آن سهیم شود. پیداست اگر این دو بُعد تأثیرگذار، در یک متن، با هم وجود داشته باشد، نتیجه کار برجسته‌تر و خواندنی‌تر خواهد شد. گزارش معروف «رابرت فیسک»<sup>۱</sup> از اردوگاه شتیلا، گزارش کینگزبری اسمیت<sup>۲</sup> از اعدام جنایتکاران جنگی در نورنبرگ و گزارش کارول اکرلی<sup>۳</sup> از ماجرای یازدهم سپتامبر از این نمونه‌ها هستند.

## نظر و اطلاعات

سوءبرداشت از آنجا ناشی می‌شود که خبرنگاران تصور کنند اگر متن خبری (یا گزارشی) را به یاری هنرهای کلامی یا ادبیاتی تزیین کنند، در ایجاد ارتباط با مخاطب موفق‌تر خواهند بود. این برداشت نادرست، دو جنبه دارد:

■ روزنامه‌نگار دچار این وهم شود که مخاطب از او به جای اطلاعات، نکته، آمار، استناد و... توقع انشانویسی دارد. «سی‌پی. اسکات»<sup>۴</sup> روزنامه‌نگار و سردبیر نامدار دهه‌های اول قرن بیستم انگلستان، در یک سرمقاله در تاریخ پنجم می ۱۹۲۱ این موضوع را توضیح داده است: «شاید این نظر بی‌رحمانه و تلخ به نظر برسد. اما واقعیت دارد که اظهارنظر، خبر نیست. اما اطلاعات خیر هست. تحریریه‌ها یک وظیفه اساسی دارند: جمع‌آوری خیر و اطلاعات. و سوسه اهمیت دادن به کلام، به جای اطلاعات، در تحریریه‌ها فسادآور است...

■ نگارش هنرمندانه که خواننده را به خود جلب کند، مثل هر هنر دیگری، به سه عامل مهم وابسته است: استعداد، تکرار و تجربه. در کار نگارش، تجربه، به معنای بسیار خواندن و بسیار نوشتن است. به هر دلیل، جامعه ما، جامعه‌ای نیست که مردم به خواندن عادت داشته باشند. به همین دلیل به طور معمول خبرنگارانی که زیاد نمی‌خوانند و کم تجربه می‌کنند قدرت نگارش چندانی ندارند. در نتیجه متن‌های خبری و گزارشی آنان، نه از نظر اطلاعات و نکته غنی است و نه خواننده را از نظر عاطفی و حسی برمی‌انگیزاند. رواج کار یادداشت‌نویسی در سال‌های اخیر به دلیل همین سوءبرداشت، نتوانسته است به افزایش مخاطبان کمکی بکند. بنابراین درست نیست اگر عادت به نظر دادن را کنار بگذاریم و بر جنبه اطلاع‌رسانی بیشتر تأکید کنیم؟ اغلب، این خبرنگاران «نرم‌خبرنویسی» را بهانه می‌کنند. گویا چنین تصور می‌کنند اگر به جای ارایه اطلاعات، به نگارش احساس و توصیفی بپردازند، نوآوری در خور توجهی کرده‌اند.

### کلیشه و تقلید

روی آوری به آرایش کلامی و سعی در تأثیرگذاری از طریق انشانگاری، وقتی خبرنگار از تسلط و اقتدار کافی در حوزه ادبیات سرزمینی و جهانی تهی باشد، ناچار او را به سمت تقلید و بهره‌گیری از کلیشه‌های پیشتر آزموده شده و پیشتر تحسین شده هدایت می‌کند. کلیشه، در ذات خود، دو ویژگی نامطلوب دارد که با شخصیت و روح کار حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در تضاد قرار می‌گیرد:

■ کلیشه به طور معمول خودکار (اتوماتیک) از قلم نویسنده، به روی کاغذ یا صفحه نمایش رایانه می‌آید. روزنامه‌نگار این واژه، این عبارت، این شیوه کاربرد فعل و این شیوه جمله‌نویسی را جایی خوانده یا شنیده و به نظر او مناسب آمده است. حال، هر کجا لازم بدانند، بجا و نابجا، این کلیشه از بایگانی ذهن به دست و به قلم او انتقال می‌یابد. این فرآیند با حرفه روزنامه‌نگاری سخت بیگانه است.

■ کلیشه نیاز به فکر و جست‌وجو کشف ندارد. روزنامه‌نگار میان مفهومی که در موضوع نوشتار باید انتقال یابد و این کلیشه که در ذهن دارد، ربطی سراغ می‌کند و به کار می‌برد. حال آن‌که کشف و به دست آوردن علت‌ها و رسیدن به عناصر مربوط به عینیت

غسالخانه با موفقیت اجرا کرد و ماندگار شد: «پایم را که تو گذاشتم بوی تند سدر و کافور پیچید تو دماغم...»؛ یک ورودی بی نقص برای یک گزارش ماندگار. حالا هر کس، در هر موضوعی، با هر دیدگاهی می خواهد گزارش بنویسد، چنین شروع می کند: «از کرمان که به طرف بردسیر بروی...»، «وارد کافه شوکا که شدم...»، «از جاده خاوران که به سمت شرق بروی...»

جرج اورول نویسنده معروف انگلیسی در کتاب معروف خود «شیوه نامه جیبی اکونومیست» و در فصل سیاست و زبان انگلیسی، شش توصیه مهم به نویسندگان کرده که نخستین توصیه این است: «هرگز تشبیه، استعاره یا حالت نوشتنی را که در کتابی خوانده ای، به کار نبر».<sup>۷</sup>

شاید بدترین پی آمد کاربرد کلیشه ای برای خواننده این باشد که او عنصر «تقلید» و «تکرار» در آن، که در ذات خود با نوآوری و پویایی در تضاد هستند، به تدریج در او ایجاد زدگی می کند.

## نرم یا سخت؟

پس از انتشار روزنامه شرق و موفقیتی که این روزنامه در بازار نشر مطبوعات به دست آورد،<sup>۸</sup> بحثی در جامعه روزنامه نگاری ما در مورد «نرم و خبر» و «سخت خبر»<sup>۹</sup> در گرفته است. می گویند: «ما از اول تصمیم گرفتیم در این روزنامه «نرم خبر» کار کنیم. یا: «شیوه نرم خبر» به پسند و احساسات مردم نزدیک تر است». یا: «مردم نسبت به «سخت خبر» دیگر نظر خوبی ندارند و...»

این برداشت حالا به آنجا کشیده است که در صداوسیما هم برخی بخش های خبری به گویش عامیانه و غیر جدی اجرامی شود، زیرا: «در صداوسیما تصمیم گرفته ایم، به سوی اجرای نرم خبر برویم.» (نقل به مضمون از گفته های یک مسؤول خبر صداوسیما).

در باور برخی از روزنامه نگاران جوان این اعتقاد جا گرفته است که هرگاه ما در متن خبر (یا گزارش) زبانی وصفی، صمیمی، عاطفی یا تأثیرگذار را به کار بگیریم، خبر (یا گزارش) نرم نوشته ایم. برعکس خبر، وقتی سخت است که با زبان جدی و رسمی نوشته شود. این برداشت با اصل تقسیم بندی، دنیا از سخت خبر و نرم خبر، تفاوت دارد.

اشکالی نداشت. مشکل عمده این است که چنین باوری اکنون به کلاس‌های درس، جزوره‌های دانشگاهی و حتی کتاب‌های این رشته هم راه یافته است. من برای آن که از خود نظری ابراز نکنم، نخست چند نظر از نویسندگان و استادان جهان غرب را (که لابد از ماروزنامه‌نگارتر هستند چون این حرفه را ما از آنان آموخته‌ایم) می‌آورم. این نمونه‌ها را به ترتیب از قدیمی‌ترین که مربوط به سال ۱۹۹۶ است تا یک نمونه امروزی عرضه می‌کنم و آنگاه به بحث در مورد نگارش خبرهایی که در آن هنرهای نگارشی را می‌توان سراغ کرد، می‌پردازم.

## اول:

«در طول حدود ۲۰ سال، من از همکاران روزنامه‌نگار، سردبیران و دانشجویان این رشته، بارها پرسیده‌ام «فیچر» چیست؟ این پرسش را من از اهالی مطبوعات در سه قاره سؤال کرده‌ام. در پاسخ، دیدگاه‌ها و نظرهای متفاوت و جالبی دریافت کرده‌ام. با این همه کسی پاسخ قطعی و قانع‌کننده نداده است؛ غیر از یکی: «فیچر متن خبری «سخت»، «نیست». اما این را نمی‌شود تعریفی علمی در دانش روزنامه‌نگاری فرض کرد.»

## دوم:

«خبر را می‌توان در سه سطح در نظر گرفت: خبر آنی، فیچر خبری و فیچر  
■ خبر آنی، خبری است با اهمیت که باید در کمترین زمان گزارش شود،  
■ فیچر خبری، خبری است که در آن اطلاعات و نکته‌هایی باید وارد کرد تا خبر آنی تکمیل شود. بسیاری از خبرنگاران برای نگارش فیچر خبری به طور معمول از یک عنصر انسانی (حسی یا عاطفی)، برای طرح موضوع (سوژه) بهره می‌گیرند، یا از مسیر شرح و بسط پس‌زمینه‌ها، موضوع را توضیح می‌دهند،  
■ فیچر، خبری است که به قصد تأثیرگذاری تهیه می‌شود و به طور معمول شکل داستانسرای دارد.»

و....

خبر نرم نسبت به هرم وارونه انعطاف بیشتری دارد. در خبرهای نرم، (بر عکس شیوه هرم وارونه) مهم‌ترین اطلاعات در پاراگراف اول عرضه نمی‌شود. یعنی می‌توان خواننده

شرح رپسته... من مومن... و مویست و مویست... می نمود... بر مردم... می نمود...  
در هرم وارونه) وجود ندارد... مهم این که خبر سخت را نباید با ورودی تأخیری، وصفی یا  
روایی آغاز کرد. به هر حال شیوه نگارش، یک متن خبری را نرم یا سخت نمی کند، بلکه  
سختی یا نرمی باید در ذات خبر وجود داشته باشد.»<sup>۳۳</sup>

### سوم:

«دسته بندی دیگر خبرها که بیشتر به زمان ربط می یابد، تشخیص میان سخت خبر و  
نرم خبر است. گروه اول را بیشتر مردم عادی، خبر می شناسند: واقعه ای که در یک روز  
روی می دهد (دزدی در یک بانک، فرو ریختن یک پل یا محکومیت یک متهم به قتل)  
سخت خبر هستند. در این خبرها زمان (فوریت) نقشی اساسی برای مخاطب دارد. از این  
رویدادها خبر تهیه می شود، زیرا رویدادهای امروز به شمار می آیند. به همین دلیل باید به  
سرعت در اختیار مخاطبان قرار گیرند.

برعکس، در نرم خبر، فوریت زمانی چندان نقش و تأثیری ندارد. خبرنگار در این  
خبرها بر وضعیت، حالت یا اشخاصی توجه می کند که دارای یک ویژگی مشترک هستند:  
جلب توجه مخاطبان. تأثیر چنین خبرهایی به ندرت در زمان یا روز بخصوصی محدود  
می شود و می توان در میان خبرها، هرگاه لازم باشد، گنجانیده شود. نمونه رایج از این  
خبرها، زندگی یک جفت عقاب کمیاب در باغ وحش سیراکوز<sup>۳۴</sup> است.

عقاب های نر و ماده را برای افزایش نسل زیر مراقبت گرفتند تا این گونه در طبیعت  
از بین نرود. سرانجام ماده یک تخم گذاشت. تخم را با دقت در دستگاه مخصوص  
گذاشتند. اما درست در لحظه ای که جوجه، پوسته تخم را شکست تا زندگی آغاز کند،  
عقاب ماده مرد. کارشناسان باغ وحش این واقعه را فاجعه وصف کردند. اما در کمال  
شگفتی دیدند که عقاب نر کار مراقبت از جوجه را برعهده گرفت. عقاب پدر، جوجه  
را غذا می داد، تمیز می کرد و مواظب دیگران بود تا صدمه ای به جوجه نزنند...

زندگی این دو، مدت ها موضوع خبرهای دنباله دار<sup>۳۵</sup> در مطبوعات آمریکایی بود. مردم  
با علاقه و رغبت این خبرهای احساساتی را دنبال می کردند. در این نمونه، تحول در  
زندگی عقاب ها، هیچ فوریتی ندارد؛ اما دارای جذابیت است.»<sup>۳۶</sup>

«واقعی»، «جدی» و «مهم» نوشته می شوند و به طور معمول بر زندگی مردم اثر می گذارند، با خبرهای «نرم» که در مورد رویدادها یا تحولاتی «جزیی» که تأثیری چندان ندارند، تفاوت در نظر می گیرند. خبر نرم را خبرهایی این چنین می دانند: «مأموران آتش نشانی بچه گربه ای را که روی یک شاخه نازک درخت گیر کرده بود، نجات دادند.» شاید این تقسیم بندی از مضمون خبرها در ذات خود در روزنامه ها مفید باشد. اما آنجا که بحث در مورد شیوه های خبری است، این تقسیم بندی راه به جایی نمی برد. واقعیت این که از نظر شیوه های تهیه خبر نمی توان تفاوت آشکاری میان نرم خبر و سخت خبر یافت.

درست این که توضیح دهیم یک شیوه رایج، همیشگی و درست برای نگارش خبر وجود دارد که در نگارش، حالت های متفاوتی به خود می گیرد. خبرنگار یکی از این شیوه ها را بسته به محور و موضوع خبر یا گزارش برمی گزیند. مثل شیوه توصیفی (مثل این که به وصف لحظه های کوشش آتش نشانان بپردازد یا چگونگی حالات مردم را در زمان تصرف «سارایه وو» وصف کند). یا براساس یک شیوه سنتی، شرح رویدادها را. به ترتیب زمانی ۱۷ وقوع ثبت کند...

از دیدگاه شیوه های خبری، هیچ امتیازی میان نرم خبر و سخت خبر نمی توان در نظر گرفت. اگر چنین استدلال کنیم شاید مفیدتر باشد: یک روش سنتی و اصلی در نگارش خبر وجود دارد که حالت های مختلفی به خود می گیرد. خبرنگار ممکن است یکی از این حالت ها را برای نگارش یک متن به کار بگیرد. (مثل شیوه روایی).

نگارش خبر یا گزارش در هر حالت خبرنگارنویسی (بیانی، توصیفی، روایی، نقلی و...) ممکن است به صورت سخت یا نرم، صورت گیرد.<sup>۸</sup>

### پنجم:

«خبر را می توان به دو شاخه تقسیم کرد: سخت و نرم. اکنون تفاوت این دو شاخه خبر را توضیح می دهیم:

خبر سخت، گزارش از رویدادهایی است که در ذات خود، فوریت دارند. یعنی رویدادها، برخوردها و تحولاتی که به تازگی اتفاق افتاده اند، یا در حال رخ دادن هستند و انتشار آنها باید فوری صورت گیرد؛ اگر نه ارزش خود را از دست می دهند. مثل: حوادث،



خبر نرم، گزارش از رویدادهای مربوط به علاقه‌های انسانی و پدیده‌های نوظهور، عجیب، اما جذاب است که گزارش آنها چندان فوریت ندارد. یعنی رقابتی. با رسانه‌های دیگر. برای انتشار آنها در میان نیست. مثل جوانی که بر اثر حادثه‌ای، هفت سال پیش یک دست خود را از دست داده و حالا هواپیمای مدل می‌سازد. یا توله سگی که در محفظه خطوط تلفن شهری گیر کرده بود. یا کارایی و پی‌آمدهای مصرف نوعی قرص لاغری. خبرهای نرم دو خصالت عمده دارند. اول: نمی‌توان گفت کدام یک بر دیگری ارجح است. دوم: موضوع این خبرها، از مدت‌ها پیش ممکن است جریان داشته باشد. یا زمان و فوریت جاذبه به آن به حساب نمی‌آید.»

### ششم:

«متن‌های خبری را در اساس به دو شیوه «نرم‌خبر» و «سخت‌خبر» تقسیم می‌کنند. به‌طور کلی «سخت‌خبر» به مفهوم رویدادهای فوری (خبرهایی که دقیقه و ساعت در آن نقش دارند) برمی‌گردد. یعنی رویدادهایی که باید با سرعت به مخاطب عرضه شود. اما نرم‌خبر، شامل خبرهایی است که در آن اطلاعات حاشیه‌ای و پیشینه و مهم‌تر از آن توجه و علاقه عمومی، نقش برجسته‌تری دارند.

خبرهای مربوط به سیاست، جنگ، اقتصاد و جرم و جنایت در دسته خبرهای سخت جای می‌گیرند. حال آن‌که خبرهای عرصه هنر، سرگرمی (هنرنمایی) و پدیده‌های مربوط به زندگی اجتماعی را نرم‌خبر می‌گویند.

اما به نحوی فزاینده این خط‌کشی مخدوش شده است. مثلاً می‌پرسند: خبری در مورد زندگی شخصی فلان سیاستمدار، خبر سیاسی است یا خبر سرگرم‌کننده؟ (سخت یا نرم؟). یا: گزارشی از اهمیت پس‌انداز پیش از بازنشستگی خبری مربوط به اقتصاد است یا مربوط به زندگی اجتماعی (سخت یا نرم؟) که البته پاسخ فوری ندارد.

یک تفاوت میان خبرهای نرم و سخت، به شیوه‌ارایه خبر ربط می‌یابد. خبر سخت به عینیت‌ها توجه دارد: چه روی داده؟ چه کسی درگیر بوده؟ کی و کجا روی داده؟ و چرا؟ خبر نرم اما سعی دارد مخاطب را سیرگرم کند، زیر تأثیر بگیرد یا راهنمایی کند. در رسانه‌ها و مثلاً در تلویزیون، مخاطب با مطالب یا برنامه‌هایی سروکار پیدا می‌کند که مدعی است: «این خبر

شناخت این دو عرصه به خبرنگار کمک می‌کند تا چگونگی روی دادن واقعه خبری را به مخاطب انتقال دهد. یا کدام دسته از خبرها قابل پخش یا قابل چاپ هستند. نیز به این کار می‌آید تا نویسنده بخواهد مقاله مؤثری بنویسد تا مخاطب زیر تأثیر قرار گیرد.»

### هفتم:

«به طور کلی خبرها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد، خبرهای نرم یا فیچر و خبرهای سخت.»

خبرهای سخت، بخش عمده از گزارش‌های خبری را تشکیل می‌دهند و بر عناصری خبری تأکید دارند (چه کسی، چه، کی، کجا و چگونه). این خبرها شامل پدیده‌های مهم و مورد توجه مردم مثل فعالیت‌های دولتی، رویدادهای جهانی، شرایط اجتماعی، اقتصاد، جرایم، محیط‌زیست و... علوم می‌شوند که برای قشرهای پر تعداد مخاطبان جالب است. صفحه اول روزنامه‌ها و مجله‌ها، و بخش‌های خبری اساسی رادیو و تلویزیونی همیشه سرشار از خبرهای سخت هستند.

برای نگارش سخت خبرها یک شیوه‌های همیشگی وجود دارد. در رسانه‌های نوشتاری این خبرها را به شیوه سنتی هرم وارونه می‌نویسند. مهم‌ترین محور خبر، در جمله اول (لید) نوشته می‌شود و محورهای کم اهمیت‌تر، به ترتیب تا انتهای خبر می‌آید. برخی از روزنامه‌نگاران از این شیوه سنتی انتقاد می‌کنند. می‌گویند این سبک قدیمی و بدون هیجان است و خواننده می‌تواند از اول، بقیه متن را حدس بزند. با این هم شیوه هرم وارونه همچنان در محیط روزنامه‌نگاری ماندگار است. شیوه هرم وارونه در رسانه‌های دیداری و شنیداری قابل اجرا نیست. این رسانه‌ها از شیوه چهار ضلعی "استفاده می‌کنند که اطلاعات در تمام طول خبر، یکنواخت عرضه می‌شود. زمان در این رسانه‌ها چنان محدود است که نمی‌توان بخش‌های کم اهمیت خبر را توضیح داد.

خبر نرم یا فیچر، عرصه وسیعی از خبرها را در برمی‌گیرد. این خبرها فوریت ندارند. یا چندان بر زندگی مخاطبان تأثیر عمیق نمی‌گذارند. نکته مهم و مشترک در خبرهای نرم، برانگیختن علاقه‌های مخاطبان است و به‌طور معمول کنجکاوی، احساسات، ترحم یا سرگرمی مخاطبان را تأمین می‌کند. مکان‌ها، مردم، جانوران، کالاها یا رویدادهای

اغلب نکته ضربه‌ای در فیچر در انتهای متن می‌آید؛ درست مثل لطفه‌ها که نکته خنده‌دار در پایان عرضه می‌شود. فیچر در تلویزیون بیشتر از رادیو رواج دارد...» □

### نتیجه

این هفت برداشت، در بحث نرم و سخت خبر، نکته‌های مهمی را روشن می‌کند که اگر به صورت فهرست در آوریم، به این نکته‌ها می‌رسیم:

● سخت خبر، خبری است که در آن جنبه سرعت و فوریت اهمیت دارد و بیشتر بر اطلاعات تأکید دارد،

● نرم خبر، فوریت زمانی ندارد و بیشتر بر جنبه‌های عاطفی، حسی و روحی مخاطب تمرکز می‌یابد،

● انتخاب نرمی یا سختی با خبرنگار نیست. بلکه ذات خبر، نرمی یا سختی آن را روشن می‌کند،

● خبر نرم، به دلایل گفته شده، به سمت فیچر (گزارش خبری و غیرخبری روایی یا توصیفی) گرایش دارد،

● نگارش خبر، به هر یک از این دو شیوه، امتیازی برای خبرنگار در پی نمی‌آورد و به خصوص نشانه نوجویی و نوگرایی نمی‌تواند تلقی شود،

● نرم خبر به هیچ وجه، رویه و شیوه تازه کشف شده‌ای نیست. از قضا می‌توان گفت پیشینه خبرهای غیرفوری، عاطفی و حسی، بسیار بیشتر از پافشاری بر عناصر خبر است.

● پیداست که در خبرهای نرم، امکان هنرنمایی ادبی (تشبیه، توصیف، استاره، اشاره و...) بیشتر است، نه به این معنا که هر جا هنرهای کلامی به کار رفت، نرم خبر تولید می‌شود،

● بهانه نرم خبر نباید راه گریزی از جست‌وجوگری و کشف نکته‌ها، پیام‌ها، اطلاعات و استنادها لازم در کار خبر تلقی شود. روزنامه‌نگاری یک مفهوم قاطع اگر داشته باشد

پیگیری و تلاش مستمر و خستگی‌ناپذیر برای کشف نکته‌های پنهان نگاه داشته شده است. □

1. Hook
2. Fisk, Robert, "It Was Christians", September 16/1986 .
3. Smith, Kingsbury, "The Execution of Nazi War Criminals," oct.16/1946.
4. Ackerly, Carol, "Hell In Big Apple", Sep.12/2001.
5. C.P.Scott

خ صدیقی، فریدون، گزارش با عنوان «گفت و گو با یک مرده شور بهشت زهرا». کیهان سال ۱۳۶۵.

7. Orwell, George, "The Economist Pocket Style Book, Politics and the English Language, Penguin, London 1970.
۸. توجه به جاذبه های کلامی، ورود به حاشیه موضوع، تأثیر گذاری های عاطفی و... در متن های مطبوعات در سال های و دهه های پیش هم رواج داشت.

9. Soft News
10. Hard News

۱۱. Feature در غرب به معنای مطالب خبری وصفی و احساساتی است؛ نوشته ای که از توضیح واقعه فراتر رود و به وصف موضوع برای جذاب کردن آن بپردازد.

12. Randal, David, Universal Journalism, Pluto Press, London, 1996, p.12
- Menger, Melvin, News Writing and Reporting for Today's Media, Columbia University Press, N.Y. 1998.

- 13.
14. Syracuse
15. Run Event

16. Deffleur, Melvin and Dennis, Everette, Understanding Mass Communication, Houghton Mifflin Co. Boston, 1998, Page 243
۱۷. Chronicle توضیح رویدادها به ترتیب وقوع. این روش هنوز در نگارش خبرهای حوادث رواج دارد.

18. Adams, Sally and Gilbert, Harriet, Writing For Journalists, Routledge, London and New York, 1999-Page 12

19. Reach, Carol, Writing and Reporting News, Coaching Method, Routledge, London, 2000, pp. 36,37
۲۰. Square Format در این شیوه خبرنگاری نویسی اطلاعات و نکته ها، در متن بدون رعایت اهمیت و با رعایت فشردگی تنظیم می شوند. یعنی همه جمله ها و پاراگراف ها تا حد زیادی ارزش یکسانی دارند؛ مثل حالت ظاهری مربع.
۲۱. این متن را آقای دکتر عقیلی به نویسنده لطف کرده اند که به زبان انگلیسی است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی